

سخنرانی جناب آقای دکتر ظریف، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد
سازمان ملل متحد، در جلسه مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ (دوم دیماه ۱۳۸۵) در رابطه با
مسائل هسته ای جمهوری اسلامی ایران و قطعنامه شورای امنیت

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای رئیس،

امروز روز غم انگیزی برای رژیم عدم اشاعه است. تنها چند روز قبل، نخست وزیر رژیم اسرائیل سلاح های هسته ای این رژیم را به رخ جهانیان کشید. با وجود این، شورای امنیت نه تنها این تهدید جدی علیه صلح و امنیت بین المللی و رژیم عدم اشاعه را مورد توجه قرار نداده و حتی در برابر آن خم به ابرو نیاورد، بلکه به جای آن تحریم هایی را بر یک عضو معاهده منع اشاعه اعمال می نماید، عضوی که بر خلاف اسرائیل:

- هرگز هیچ عضوی از سازمان ملل متحد را تهدید نکرده و علیه هیچ کشوری نیز متوسل به زور نشده است،
- به طور اصولی توسعه، انباشت و استفاده از سلاح های هسته ای را به دلایل عقیدتی و راهبردی مردود دانسته است.^۱
- آماده ارائه تضمین هایی بوده تا به موجب آن همواره به معاهده عدم اشاعه متعهد بماند.^۲
- تمامی تاسیسات هسته ای خود را تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داده است.^۳
- به طور کامل پروتکل الحاقی را به مدت دو سال اجراء نموده^۴ و آمادگی خود را برای از سرگیری اجرای آن اعلام کرده بود.^۵

^۱ فتوای مذهبی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، منعکس شده در روزنامه کیهان ۱۵ آبان ۱۳۸۳. همچنین نگاه

کنید به پاسخ ۳۱ مردادماه ۱۳۸۵ (۲۲ اوت ۲۰۰۶) ایران به بسته ۵+۱: 12 & 2 P.P. S/2006/806

^۲ نگاه کنید به پاسخ ۳۱ مردادماه ۱۳۸۵ (۲۲ اوت ۲۰۰۶) ایران به بسته ۵+۱: 14 P. S/2006/806

^۳ از جمله نگاه کنید به: 20 Para. GOV/2006/64

- امکان آنرا فراهم نموده تا آژانس بین المللی انرژی اتمی بیش از ۲۰۰۰ نفر- روز بازرسی از تمامی تاسیسات مرتبط و حتی غیرمرتبط آن بعمل آورد.^۴ این بازرسی ها منجر به صدور گزارش های متعددی از طرف آژانس بین المللی انرژی اتمی شده که به موجب آنها هیچ دلیلی مبنی بر انحراف برنامه هسته ای ایران مشاهده نشده است.^۵
- داوطلبانه فعالیت های قانونی غنی سازی خود را برای مدت بیش از دو سال تعلیق کرده و این تعلیق توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز راستی آزمایی شده^۶، تا اعتماد سازی نموده و فرصت ارزشمندی را برای یافتن یک راه حل قابل قبول فراهم نماید - البته چنانچه قصد طرف های مذاکره کننده واقعا یافتن راه حل بوده باشد؛
- پیشنهادات متعدد جامعی را برای تضمین دائمی عدم انحراف از برنامه صلح آمیز ارائه کرده است، و
- مستمرا خواهان مذاکرات بی قید و شرط و دارای چارچوب زمانی معین برای یافتن راه حل قابل قبول بوده است، دعوتی که حتی روز گذشته نیز توسط وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تکرار شد.

همان دولت هایی که تلاش می کنند تا شورای امنیت را وادار به تحمیل اقدامات تنبیهی بی پایه علیه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران نمایند، خود همواره مانع از اتخاذ هر گونه اقدام شورای امنیت، ولو اقدامی اندک، علیه اسرائیل برای وادار کردن این رژیم به تبعیت از قواعد حاکم بر رژیم عدم اشاعه گردیده اند. با این کار، آنها آزادی عمل وسیعی به این رژیم داده اند و حتی این رژیم را تشویق می کنند تا آزادانه به توسعه مخفیانه و تملک غیرقانونی سلاح های

⁴ . بند ۱۵ سند GOV/2006/15 آژانس بین المللی انرژی اتمی: "تا ششم فوریه ۲۰۰۶، پروتکل الحاقی را اجراء کرده است، گویی که (این پروتکل) لازم الاجراء بوده است، از جمله از طریق ارائه به موقع اظهاریه ها و دسترسی به اماکن".

⁵ . نگاه کنید به پاسخ ۳۱ مردادماه ۱۳۸۵ (۲۲ اوت ۲۰۰۶) ایران به بسته ۵+۱: S/2006/806, P13

⁶ از جمله نگاه کنید به:

آژانس بین المللی انرژی اتمی: GOV/2006/15, Para. 30 و GOV/2004/83, Para. 6, GOV/2005/67, Para. 56 * GOV/OR.1119 صادره در آوریل ۲۰۰۵، بند ۱۰۳

⁷ از جمله نگاه کنید به:

آژانس بین المللی انرژی اتمی: GOV/2003/75, Para. 52؛ GOV/2006/15, Para. 53

⁸ . از جمله نگاه کنید به بیانیه مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی در ۸ مارس ۲۰۰۴:

IAEA - GOV/2004/11, paragraphs 72-73, IAEA - GOV/2004/34, paragraphs 40 and 43, , IAEA - GOV/2004/60 paragraphs 55 and 60, , IAEA - GOV/2005/67 paragraphs 53 and 55, IAEA - GOV/2005/87 paragraph 17

هسته ای ادامه داده و حتی بدون هراس از کمترین مجازاتی، به طور علنی به این اقدام خود
ببالد.

آقای رئیس، همانگونه که در نامه مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۸۵ (۲۰ دسامبر ۲۰۰۶)^۹ خود به شما
تصریح نموده ام، بی تردید وجود سلاح های هسته ای در دست رژیم اسرائیل با سابقه
وحشتناک در عدم اجرای قطعنامه های شورای امنیت - اگر چنین امری معیار اقدام امروز شورا
است - و با پرونده سیاه و قطوری مملو از جنایات و جرائمی مانند اشغال، تجاوز، نظامی گری،
تروریسم دولتی، جنایات علیه بشریت و آپارتاید^{۱۰}، تهدیدی عمده و منحصر به فرد علیه صلح و
امنیت منطقه ای و بین المللی می باشد.

عدول از سیاست ریاکارانه "استراتژی ابهام" توسط رژیم اسرائیل، بهانه را - چنانچه اساسا پیش
از این بهانه ای وجود داشت- برای بی عملی مستمر شورای امنیت در مواجهه با این تهدید
واقعی علیه صلح و امنیت بین المللی، از میان برداشته است.

واکنش شورای امنیت به دست یابی غیرقانونی رژیم اسرائیل به سلاح های هسته ای نشان
خواهد داد که آیا شورا - آنگونه که بر اساس ماده ۲۴ منشور ملزم شده است- از طرف اعضای
جامعه بین المللی، که نظر خود را کرارا در خصوص این مسئله اعلام نموده اند^{۱۱}، عمل می
نماید یا اینکه شورای امنیت صرفا "وسیله ای در جعبه ابزار"^{۱۲} معدودی از اعضای دائم آن می
باشد که از آن برای حل معضلات سیاست خارجی خود بهره برداری کرده و آن را در جهت
پیگیری منافع کوتاه نگرانه خود بکار می گیرند.

در چنین وضعیتی، جای تعجب نیست که یک ملت بخاطر اعمال حقوق لاینفک خود مجازات
می شود و این کار بیش از هر چیز بخاطر و در راستای منافع رژیم اسرائیل انجام می شود که
تجاوز و جنایات جنگی و ویژگی بارز رفتاری آن است و امروز بخاطر توسعه مخفیانه و کسب
غیرقانونی سلاح های هسته ای به آن پاداش داده می شود.

آیا کسی انتظار دارد که با این کار اعتبار شورای امنیت یا اقتدار معاهده منع اشاعه افزایش
یابد؟

⁹ S/2006/1008, A/61/650

¹⁰ کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا در مقاله اخیر خود در لس آنجلس تایمز مورخ ۸ دسامبر ۲۰۰۶ اینگونه اظهار
نظر می کند: "این کتاب به سرکوب انزجار آمیز و تعقیب در سرزمین هاتی فلسطین اشغالی می پردازد... از بسیاری
جهات، این فشارها شدیدتر از فشارهایی است که در دوره آپارتاید در آفریقای جنوبی بر سیاهان وارد می شد."

¹¹ بیانیه نهایی سران جنبش عدم تعهد، ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۶: 2006/Doc.1/Rev.3

¹² US Department of State: <http://usinfo.state.gov/mena/Archive/2006/Mar/06-846555.html>

از نظر مردم ایران، قطعنامه امروز تنها می تواند یادآور بی عدالتی های تاریخی شورای امنیت در حق آنها در خلال شش دهه گذشته باشد. این کار یادآور تلاشی است که در این شورا برای مجازات مردم ایران بخاطر ملی کردن صنعت نفت آنها، که در آن زمان به ناحق از آن تحت عنوان تهدید علیه صلح تعبیر شد^{۱۳}، صورت گرفته است. اقدام مذکور همچنین یادآور بی تفاوتی شورای امنیت در برخورد با کودتای نظامی که توسط دو عضو دائم شورا در ایران صورت گرفت و دیکتاتوری را به ایران بازگرداند، می باشد. (بعلاوه، اقدام امروز شورای امنیت) زنده کننده خاطرات زمانی است که شورای امنیت اشغال گسترده ایران توسط رژیم سابق عراق را تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی ندانسته و حتی خواستار عقب نشینی ارتش اشغالگر از سرزمین ایران نگردید. اقدام غیر عادلانه امروز همچنین یادآور رنج های سالهای دهشتناکی است که این شورا چشم خود را بر استفاده مفرط و بیرحمانه از سلاح های شیمیایی علیه غیرنظامیان و سربازان ایرانی بست و با این کار خود، بار مسئولیت دهها هزارتن از ایرانیانی را که هنوز هم از عوارض سلاح های شیمیایی رنج می برند و به شهادت می رسند به دوش می کشد؛ سلاح هایی که تجهیزات آنها از سوی کشورهای مشخصی که عضو دائم شورای امنیت می باشند، تامین شده بود. نیازی نیست راه زیادی را برای یافتن این قربانیان سلاح های شیمیایی برویم. تنها یک ماه قبل، من یکی از عزیزترین همکاران خود را در این نمایندگی از دست دادم؛ شهید مهدی وحیدی اصیل که بدلیل جراحات ناشی از عوارض سلاح های شیمیایی دچار سرطان شده بود چند هفته قبل به شهادت رسید. مهدی هنگام شهادت تنها ۳۹ سال داشت.

آقای رئیس،

من در سخنرانی قبلی خود در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ به بهانه هایی که شورای امنیت را به استناد آنها درگیر برنامه های صلح آمیز هسته ای ایران نموده اند، پرداختم. امروز از تکرار آن موارد اجتناب کرده و اجازه می خواهم تا صرفا به چند نکته در این زمینه اشاره کنم:

طرح برنامه صلح آمیز هسته ای ایران در شورای امنیت از سوی معدودی از اعضای دائم و به ویژه آمریکا به قصد یافتن یک راه حل یا ترغیب ایران به انجام مذاکره نیست و کمکی نیز به انجام مذاکره نمی کند. حتی هدف اعلام شده آنها همواره این بوده است که از شورای امنیت

¹³ S/2358/Rev.1

به عنوان ابزار فشار و ارباب استفاده نمایند تا ایران را مجبور کنند که از حقوق حقه خود دست بردارد. تاریخچه آشکار رفتار آنها در سالهای اخیر، به همه ما می آموزد که هدف اعلام نشده آنها از این اقدامات چیست. اجازه دهید تنها به دو مثال اشاره کنم:

در اکتبر ۲۰۰۴ و دقیقا در زمانی که سه کشور اروپایی متحد آمریکا بظاهر مشغول مذاکره با ایران بودند، یک متن غیررسمی با عنوان "راههایی برای بررسی برنامه هسته ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل" توسط نمایندگی آمریکا توزیع شد. در این سند آمده است: "ایالات متحده همواره بر این عقیده بوده است که فعالیت های هسته ای ایران بایستی به شورای امنیت گزارش داده شود. ... شورای امنیت اقتدار حقوقی برای الزام ایران به توقف [برنامه غنی سازی اش] را دارا می باشد."

حتی طرفهای مذاکره کننده با ما نیز (رفتار مشابهی داشته اند.) مدیر سیاسی وزارت امور خارجه انگلستان، در نامه مورخ ۱۶ مارس ۲۰۰۶ خود به هممتایان خویش در فرانسه، آلمان و آمریکا، برنامه موزیانه تر بریتانیا را تشریح نمود. وی در این نامه آورده است: " ما همچنین ممکن است مجبور شویم یکی از استدلال های ایرانیان که همواره می گویند تعلیق درخواستی "داوطلبانه" می باشد را از بین ببریم. ما می توانیم این کار را با الزامی کردن تعلیق داوطلبانه از طریق شورای امنیت انجام دهیم."

ادامه این نامه حتی جالب تر است، زیرا در آن آمده است: "من همانطور که قول داده بودم یک متن کوتاه به عنوان محور مذاکره با روسها و چینی ها را برای شما فرستادم. این متن بر این باور استوار است که ما نمی توانیم روسها و چینی ها را وادار به موافقت با تحریم ها در خلال ماه های آتی بنماییم، بدون آنکه به نحوی نشان دهیم تلاشی را برای همراه کردن ایرانیها انجام داده ایم.... در مقابل اینکه روسها و چینی ها با [یک قطعنامه فصل هفتمی] موافقت کنند، ما نیز در آن صورت می توانیم یک بسته پیشنهادی را تنظیم کنیم تا بتوان به عنوان پیشنهاد جدید به ایرانیان ارائه کرد."^{۱۴}

اکنون می توانید انگیزه ارائه بسته به اصطلاح تشویقی - که چند ماه بعد از برنامه زمانی مدنظر انگلیس - در ۶ ژوئن ۲۰۰۶ به ایران ارائه شد را دریابید.

و اکنون درمی یابید که چرا آمریکا و سه کشور اروپایی هرگز زحمت مطالعه پیشنهادات مختلفی که از سوی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده را به خود ندادند، زیرا از ابتدا مصمم به بهره برداری از شورای امنیت و تهدید ارجاع موضوع به آن و نیز سوء استفاده از تحریم ها به

¹⁴ Times Online, March 22, 2006, <http://www.timesonline.co.uk/article/0,,2-2098203,00.html>

عنوان ابزار فشاری در جهت وادار ساختن ایران به رها نمودن حق خود در مورد فناوری صلح آمیز هسته ای که توسط معاهده عدم اشاعه تضمین شده است، بودند. اکنون این راز برملا شده است که هدف آنها از مذاکره هیچ گاه یافتن راه حل نبوده، بلکه هدف آنها این بود که در راستای خطوط قرمز دلخواهی و البته متغیر خود، تعلیق حقوق ایران را بر ما تحمیل نموده، زمان آن را طولانی کرده و آنرا ابدی نمایند.

آقای رئیس،

تعلیق راه حل نیست. تعلیق در بهترین فرض اقدامی موقتی برای ایجاد فرصت جهت یافتن راه حلی واقعی است. تعلیق برای مدت دو سال از سوی جمهوری اسلامی ایران انجام شد و برخلاف بهانه ای که حامیان قطعنامه اینجا و آنجا مطرح می کنند، آژانس کرارا اقدام به راستی آزمایی نمود و تایید کرد که ایران به طور کامل آنچه را موافقت کرده بود، تعلیق نموده و این را در تمامی گزارش های خود از نوامبر ۲۰۰۳ تا فوریه ۲۰۰۶ منعکس کرده است^{۱۵}. بنابراین ما برای مدت دو سال تعلیق و برای مدت سه سال متناوبا مذاکره نموده ایم. در طی این سه سال چه اقدامی برای برای حصول به یک توافق صورت گرفته است؟

- آیا سه کشور اروپایی یا آمریکا هیچ پیشنهادی - که مستلزم تجدید نظر فاحش در معاهده عدم اشاعه نباشد- در رابطه با اقدامات لازم برای رفع نگرانی های به اصطلاح اشاعه ای خود ارائه کرده اند؟

- با توجه به اینکه چنین کاری نکرده اند، آیا آنها حتی پیشنهادات گسترده ای که ایران در تاریخ ۲۳ مارس ۲۰۰۵^{۱۶} به سه کشور اروپایی ارائه نمود و خود آنها در ابتدا آن را حاوی "عناصر مثبت" دانستند، را مورد بررسی قرار دادند؟

¹⁵ از جمله نگاه کنید به بیانیه مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی در ۸ مارس ۲۰۰۴: IAEA - GOV/2004/11, paragraphs 72-73, IAEA - GOV/2004/34, paragraphs 40 and 43, , IAEA - GOV/2004/60 paragraphs 55 and 60, , IAEA - GOV/2005/67 paragraphs 53 and 55, IAEA - GOV/2005/87 paragraph 17

¹⁶ از جمله نگاه کنید به صفحات ۴۶-۴۸ سند ذیل:

http://www.un.int/iran/facts_about_peaceful_nuclear_program.pdf

- آیا آنها هرگز پیشنهاد دادند که چگونه آن عناصر مثبت می تواند افزایش یابد یا چگونه می توان نقاط افتراق را کاهش داد؟ یا اینکه آنها بعد از مشورت با یک طرف مشخص که در مذاکرات غائب بود، به راحتی گفتند "این پیشنهادات به اندازه کافی خوب نیست. تعلیق را ادامه دهید؟"
- آیا آنها حتی به خود زحمت خواندن پیشنهاد مورخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۵ ما را دادند که تصریح می کرد تا "به آژانس اجازه دهد تا ترتیبات مناسبی را در خصوص تعداد، سازوکارهای نظارتی و دیگر موارد در خصوص عملیات محدود اولیه در نطنز طراحی کند، به نحوی که بتواند نیازهای ما و نگرانی های [آنها] را برطرف نماید"^{۱۷}؟
- آیا آنها در خصوص پیشنهاد ارائه شده از طرف ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی مورخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۵ خود در مجمع عمومی که از قابلیت بسیار زیادی در زمینه (رفع نگرانی های) عدم اشاعه برخوردار بود، تعمق کردند؟ اجازه دهید به یاد شما بیاورم که ایشان در سخنرانی مورد اشاره گفتند: "به منظور نشان دادن بیشترین درجه از شفافیت، جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد تا به طور جدی با بخش های خصوصی و دولتی دیگر کشورها در اجرای برنامه غنی سازی در ایران تشریک مساعی داشته باشد."
- آیا آنها به پیشنهاد مشخص وزیر محترم امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس خلع سلاح در ۳۰ مارس ۲۰۰۶ پاسخ دادند؟ اجازه دهید آنچه را که ایشان در این کنفرانس گفتند نقل کنم: "از نظر ما، یک امکان برای حل مسئله می تواند ایجاد کنسرسیوم منطقه ای در زمینه توسعه چرخه سوخت با کشورهای از منطقه باشد.... البته کشورهای خارج از منطقه نیز امکان مشارکت در چنین ترتیبات منطقه ای را دارند. این تاسیسات می تواند به طور مشترک در مالکیت کشورهای دارای سهم بوده و فعالیتهای مربوطه نیز می تواند بر مبنای تخصص های کشورهای مشارکت کننده تقسیم شود."
- آیا این پیشنهادات عینا و دقیقا تکرار پیشنهاد متخصصین آژانس بین المللی انرژی اتمی در خصوص رهیافت چندملیتی راجع به فعالیت های چرخه سوخت هسته ای منتشره در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۵ نبود؟ برای آن دسته از شما که این گزارش را ملاحظه نکرده اید یادآوری می کنم که در گزارش مزبور آمده است: "تقویت انتقال داوطلبانه تاسیسات موجود را به روشهای چندملیتی ترغیب می نماید و آنها را به عنوان اقدامات اعتمادساز با

همچنین برای مطالعه دیگر پیشنهادات ایران از ژانویه ۲۰۰۵ تا ژوئیه ۲۰۰۵ نگاه کنید به صفحات ۳۹-۴۵ و ۴۹-۵۰ سند فوق.

¹⁷ نگاه کنید به صفحه ۵۳ از سند ذیل:

http://www.un.int/iran/facts_about_peaceful_nuclear_program.pdf

مشارکت کشورهای غیرهسته ای و هسته ای عضو معاهده عدم اشاعه و کشورهای غیر عضو این معاهده تعقیب می نماید" و " ایجاد روشهای چندملیتی و به ویژه منطقه ای را از طریق موافقت نامه ها و قراردادهای داوطلبانه در زمینه تاسیسات جدید مبتنی بر مالکیت مشترک که بر مبنای آن حقوق و نیز ساز و کارهای مدیریت مشترک تاسیسات هسته ای بالادستی و پایین دستی مانند غنی سازی اورانیوم مشخص می شود، پیگیری خواهد نمود.^{۱۸}

- آیا اعلام آمادگی ایران برای اجرای این ایده ها فرصت بی نظیری را برای ایجاد یک نمونه جهانی با هدف تقویت معاهده عدم اشاعه و رفع نگرانی ها در رابطه با فعالیت های مربوط به چرخه سوخت بر مبنای توصیه بهترین متخصصین بین المللی که توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی دقیقاً برای همین منظور گردآوری شده بودند، فراهم نمی کرد؟
- آیا کشور دیگری وجود دارد که با این درجه از فناوری آمادگی داشته باشد تا به اندازه ایران در این زمینه انعطاف نشان دهد؟
- آیا آمریکا و متحدین اروپایی آن پاسخ تفصیلی ما در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۰۶ را به طور جدی مورد بررسی قرار دادند؟ پاسخی که بر خلاف عملکرد آنها، به تک تک مطالب مندرج در بسته ۶ ژوئن ۲۰۰۶ آنها پرداخته و پیشنهاداتی واقعی و ملموس را برای برطرف کردن کاستی های بسته پیشنهادی مزبور ارائه کرد^{۱۹}. همه آنچه که من می دانم این است که آنها حتی از اشاره به پاسخ ایران به بسته پیشنهادی در قطعنامه حاضر خودداری کردند.
- آیا آنها پیشنهاد کنسرسیوم بین المللی ارائه شده از سوی ایران در خلال مذاکرات ماه های سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۶ در وین و برلین را مورد توجه و بحث قرار دادند؟ پیشنهاداتی که در ابتدا بسیار مثبت ارزیابی شده و منجر به اعلام علنی حصول پیشرفت در مذاکرات گردید^{۲۰}. اما این پیش بینی مثبت بلافاصله و به نحو تعجب برانگیزی حتی پیش از نشست وزرای ۵ + ابرعکس شد^{۲۱}.

¹⁸ "رهیافت چندملیتی مربوط به چرخه سوخت هسته ای: گزارش گروه کارشناسان ارائه شده به مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی": IAEA – INFCIRC/640, 22 February 2005, p. 103, approaches 3,4 and 5.

¹⁹ A/61/514 - S/2006/806

²⁰ نگاه کنید به:

http://www.usatoday.com/news/world/2006-09-15-iran-eu_x.htm?csp=34

²¹ روزنامه نیویورک تایمز، مورخ ۴ اکتبر ۲۰۰۶.

سؤالات بی شمار مشابه دیگری را می توان طرح نمود. اما پاسخ به همه آنها یکسان خواهد بود. زیرا، آنچه آمریکا و ظاهراً سه کشور اروپایی (بر خلاف آنچه که این سه کشور در طی مذاکرات با ما تعهد کردند) می خواستند و تنها نتیجه ای که حاضر بوده و هستند تا از گذر این به اصطلاح مذاکرات بپذیرند این بوده و هنوز هم هست که ایران باید "تعهد الزام آوری را در رابطه با عدم پیگیری فعالیت های چرخه سوخت به گردن بگیرد"^{۲۲}.

ما امروز در شورای امنیت هستیم زیرا این خواسته غیرقانونی را نپذیرفتیم و اغلب شما می دانید که این آخرین درخواست غیرقانونی آنها نیز نمی بود. در عین حال ما همواره مصمم بوده ایم به هر نحو ممکن به اصطلاح "نگرانی های اشاعه ای" آنها را رفع کنیم و این امر حتی با وجود علم همه ما به این واقعیت است که نگرانی های آنها چیزی بیش از بهانه هایی بی اساس و سودجویانه نیست. کشورهایی که خود از دیر باز عمیقاً درگیر در فعالیت های اشاعه ای و از عرضه کنندگان سلاح های شیمیایی^{۲۳} و فنآوری مرتبط با سلاح های هسته ای^{۲۴} بوده اند، نمی توانند مدعی داشتن نگرانی های اشاعه ای باشند.

ممکن است بانیان قطعنامه به شما بگویند که به "نیات" ما اعتماد ندارند. اما مشکل این است که "دستگاه نیت سنج" آنها سابقه ای مفتضحانه از عملکرد سوء مزمن از خود بر جای گذاشته است. کافی است به این گفته مدیر سابق آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا، رابرت گیتس، در جلسه استماع کنگره در مارس سال ۱۹۹۲ توجه شود که ادعا کرده بود ایران در تلاش برای دستیابی به قابلیت سلاح های هسته ای بوده و اضافه کرد که بعید است ایران تا قبل از سال

²² بسته پیشنهادی ارائه شده از طرف سه کشور اروپایی به ایران در اوت ۲۰۰۵: IAEA - INFCIRC 651, paragraph 34

²³ یک تحقیق سنای آمریکا در سال ۱۹۹۵ تصادفاً فاش کرد که در طی جنگ عراق علیه ایران، آمریکا نمونه هایی از همه انواع میکروپ های مورد استفاده از سوی عراق برای ساخت سلاح های میکربی را به عراق فرستاده بود. نمونه ها از سوی مرکز کنترل و پیشگیری بیماری و مرکز آمریکایی گردآوری نمونه های کشت شده به همان مراکز در عراق فرستاده شده بود که بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل بعداً اعلام کردند که بخشی از برنامه تسلیحات میکربی به شمار می رود. (تایمز هندوستان، دوم اکتبر ۲۰۰۲). همچنین نگاه کنید به: "چگونه آمریکا صدام حسین را مسلح به سلاح های شیمیایی کرد" در: <http://www.greenleft.org.au/2002/506/27605>

برای بررسی نحوه همکاری و مشارکت دیگر بانیان قطعنامه امروز شورای امنیت با عراق در برنامه سلاح های شیمیایی اش، از جمله نگاه کنید به منابع ذیل:

<http://www.fas.org/nuke/guide/iraq/cw/az120103.html>,
http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/EB05Ak02.html

²⁴ به عنوان مثال نگاه کنید به:

Michael Karpin, *The Bomb in the Basement*, (Simon and Schuster, 2006);
and Zdenek Cervenka and Barbara Rogers, *The Nuclear Axis*, (Time Books, 1978).

همچنین نگاه کنید به "سلاح های هسته ای اسرائیل":

<http://www.fas.org/nuke/guide/israel/nuke/farr.htm>.

۲۰۰۰ به این هدف دست یابد^{۲۵}. بعداً در نوامبر همان سال، همین سازمان سیا در پیش نویس گزارش "تخمینهای اطلاعاتی ملی" نتیجه گیری کرد که ایران در حال پیشرفت در زمینه برنامه تسلیحات نظامی بوده و می تواند سلاح هسته ای را تا سال ۲۰۰۰ توسعه بخشد^{۲۶}. اکنون همان دستگاه اطلاعاتی می گوید که این امر تا قبل از سال ۲۰۱۵ اتفاق نخواهد افتاد^{۲۷}.

آنها از ابتدای دهه ۱۹۸۰ ایران را متهم می کنند که "قصد" دستیابی به سلاح هسته ای دارد و از این اتهام به عنوان وسیله ای در جهت محروم کردن ایران از هر گونه فناوری هسته ای، از جمله حتی راکتور آب سبک یا سوخت راکتور تحقیقاتی ساخت آمریکا، استفاده می کنند.

تعجب آور است که کدام "قصد ایران" یا کدام "نگرانی اشاعه ای" سبب شده تا بانیان اصلی قطعنامه امروز، ایران را در طی بیست و هفت سال گذشته از خرید هواپیماهای غیرنظامی یا قطعات یدکی آن محروم نموده و در نتیجه موجب به خطر افتادن ایمنی و جان مردم عادی ایران شوند، مردمی که بانیان قطعنامه این روزها به نحوی مزورانه سنگ آنها را بر سینه می زنند. بگذارید بگویم که این تلاش آنها نیز خریداری نخواهد داشت.

همانگونه که مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی گفته است: "بسیاری از آنچه را که شما در رابطه با ایران مشاهده می کنید، ارزیابی نیت است. ... اما یکی از درس هایی که از عراق آموختیم آن است که در واقع ما بایستی در نتیجه گیری هایمان بسیار بسیار دقیق عمل کنیم، چرا که این مسائل تفاوت میان جنگ و صلح را ایجاد می کند"^{۲۸}.

در رابطه با نیت و مقاصد، طرفداران عمده قطعنامه حاضر ممکن است به نحو سودجویانه ای ادعا کنند که به "نیات" ما اعتماد ندارند. این در حالی است که خود آنها به اندازه کافی گفتار و کردارهایی از خود بر جای گذاشته اند که هیچ کس در ایران و یا هیچ جای دیگری از جهان کمترین تردیدی را در رابطه با مقاصد (شوم) آنها به خود راه نمی دهد. تنها کافی است سخنان تفرقه افکنانه و خطرناک اخیر نخست وزیر انگلیس را مورد توجه قرار دهید^{۲۹}.

²⁵ جفری اسمیت، "گیتس در مورد تحرک تسلیحاتی ایران هشدار می دهد"، واشنگتن پست، ۲۸ مارس ۱۹۹۲.

²⁶ الین شیلینو، "سیا می گوید ایران در زمینه سلاح های اتمی پیشرفت می کند"، نیویورک تایمز، ۳۰ نوامبر ۱۹۹۲.

²⁷ تخمینهای اطلاعاتی ملی آمریکا، ۲۰۰۵، نگاه کنید به واشنگتن پست، ۲ اوت ۲۰۰۶:

http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2005/08/01/AR2005080101453_pf.html.

²⁸ کریستوفر دیکی، "قدرت پول"، نیوزویک، ۲۰ اکتبر ۲۰۰۶.

²⁹ خبرگزاری رویترز، ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶:

http://news.yahoo.com/s/nm/20061220/ts_nm/britain_blair_dc_6

یا اینکه نگاهی به گزارش ۲۳ اوت ۲۰۰۶ کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان آمریکا در خصوص برنامه هسته ای ایران بیاندازید^{۳۰}. گزارش مذکور به نحو خطرناکی گمراه کننده است و نشان می دهد برخی جنگ افروزان تا کجا پیش میروند. این گزارش به حدی گمراه کننده و بی اساس بود که آژانس بین المللی انرژی اتمی را ناگزیر کرد تا اتهامات مطروحه در آن علیه ایران را شدیداً به چالش کشد. در این رابطه آژانس در نامه خود بخش هایی از گزارش مزبور را "تلفرآور و متقلبانه" خواند و تاکید کرد که این گزارش حاوی "اظهارات نادرست و گمراه کننده" می باشد و در این زمینه ادله ای را نیز برای تکذیب مدعای اصلی این گزارش ارائه نمود. آژانس هم چنین تاکید نمود که گزارش حتی تحریفاتی جدی نسبت به یافته های آژانس بین المللی انرژی اتمی در رابطه با فعالیت های هسته ای ایران در بر دارد^{۳۱}.

آقای رئیس،

در پایان تاکید می کنم که جمهوری اسلامی اعتقاد راسخ دارد که دوران سلاح های کشتار جمعی مدت هاست به سرآمده و این ابزار غیرانسانی قتل عام موجب ثبات داخلی یا امنیت خارجی هیچ کشوری نبوده و در آینده نیز نخواهد بود.

بر خلاف آنهایی که در پی تخریب معاهده عدم اشاعه و حقوق بین الملل به معنای عام آن هستند، ما منافع زیادی در حفظ، اجرای کامل، تقویت و جهانشمولی معاهده عدم اشاعه داریم. تصمیم امروز شورا دقیقاً در جهت عکس حرکت می کند؛ و در این زمینه جای هیچ گونه تعجبی نیست، زیرا که مشوقین اصلی این حرکت شورا از یک سو رژیم می است که عضو معاهده عدم اشاعه نبوده و از سوی دیگر ولی نعمت آن رژیم می باشد که خود بدون هیچ گونه پرده پوشی به تخریب این معاهده یا هر سند خلع سلاحی دیگر پرداخته است. هیچ یک از ما فراموش نکرده ایم که در جریان نشست سران دولت ها در سال گذشته، چه کسی با "قلم قرمز" مشهور خود حتی کلمه "خلع سلاح" را از سند سران حذف نمود.

³⁰ گزارش کارکنان کمیته منتخب دائمی مجلس نمایندگان آمریکا، کمیته فرعی اطلاعاتی خط مشی اطلاعاتی، ۲۳ اوت ۲۰۰۶. این گزارش از سوی دستیار سابق جان بولتون (سفیر آمریکا) تهیه شده است. نگاه کنید به: مقاله دفنا لینزر در واشنگتن پست، ۲۴ اوت ۲۰۰۶.

³¹ نامه آژانس بین المللی انرژی اتمی به عنوان رئیس کمیته منتخب دائمی اطلاعاتی مجلس نمایندگان آمریکا، نگاه کنید به روزنامه گاردین، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۶ :

<http://www.guardian.co.uk/iran/story/0,,1873114,00.html>

همچنین ما بر این عقیده ایم که ایام قلدرمآبی و فشار و ارباب توسط برخی دارندگان سلاح های هسته ای نیز به سرآمده است. گفته می شود نیاز به اعتمادسازی وجود دارد. البته. همه ما به اعتمادسازی در این جهان پر آشوب نیاز داریم. اما اعتماد تنها از گذر رعایت و اعمال بدون تبعیض قانون ایجاد می شود. این تنها معیار عینی است. پذیرش هرملاک دیگری غیر از این، در واقع تن دادن به آمال زورمداران است. حقوق بین الملل و معاهدات بین المللی را نمی توان خودسرانه و سودجویانه هر روز به شکلی و بنا به منفعتی تفسیر مجدد نموده، تغییر داد یا برای آن خط قرمز دلخواهی تعیین کرد، حتی اگر چنین کاری به نحو مودیانه ای در قالب قطعنامه ها تحمیل شده باشد. چنین رویه ای برای همگان خطرناک است.

شورای امنیت می باید نخست مشکل بی اعتمادی جهانی به خود را از طریق احترام به آرای اعضای سازمان ملل متحد و عمل بر اساس دیدگاه های آنان، همانگونه که در ماده ۲۴ منشور موظف شده است، جبران نماید. عده کثیری از اعضای ملل متحد، عضو جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی می باشند. همین اکثریت اخیراً " تاکید کرده اند که حق انتخاب و تصمیم گیری دولت ها در زمینه استفاده صلح آمیز از فنآوری هسته ای و چرخه سوخت آنها باید محترم شمرده شود"^{۳۲}. آنها همچنین "نسبت به اعمال تهدیدات و فشارها از سوی برخی محافل مشخص بر ایران برای اعراض از حق ذاتی اش در توسعه انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز، ابراز نگرانی کرده اند"^{۳۳}. این کشورها همچنین روشن ساخته اند که تهدید واقعی علیه صلح و امنیت بین المللی در کجا قرار دارد و در همین رابطه "نگرانی عمیق خود را در خصوص کسب قابلیت هسته ای از سوی اسرائیل که تهدیدی جدی و مستمر علیه امنیت کشورهای همسایه و سایر کشورها می باشد، ابراز کرده اند." ^{۳۴} آنچه اعضای سازمان ملل از شورای امنیت توقع دارند رسیدگی به این تهدید واقعی است.

³² NAM/2006/Doc.12/Rev. 1, September 16, 2006.

³³ OIC Resolution 18/33-P

³⁴ Final Document of NAM Summit , September 16, 2006/Doc.1/Rev.3